



دکتر فریدون سیامکنزاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌های برایمان باشد. یا خاطره‌های را از زمان‌های دور برایمان زنده کنند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم. همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌های باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

که این مقدار دارو تهیه می‌کنند، معمولاً پاسخ مشخص و به قول معروف محکمه پسندی ندارند. با تمام این صغری و کبری بافتن‌ها، این‌گونه بیماران، هرچند ناقص، تلاش برای تهیه داروی بیشتری دارند. حالا اگر فردی به داروخانه مراجعه کند و تقاضای یک بسته صد عددی کپسول آموکسی سیلین ۵۰۰ میلی داشته باشد، و دلیلش هم این باشد که اگر در سفر دچار مشکل بیماری شدیم، پس دست خودمان را داشته باشیم، دیگر دلیلی نوبر است!

یادداشت ۳

داروخانه در روزهای بین تعطیلات نوروزی مسایل مخصوص به خودش را دارد. از طرفی مجبوری باز باشی تا حداقل مراجعه‌کنندگان همیشگی و محلی مشکلی در تهیه دارویشان پیدا نکنند و از طرف دیگر، داروخانه آن قدر خلوت است که حوصله آدم سر می‌رود. جوانی حدوداً بیست و دو ساله وارد داروخانه شد و تقاضای یک کرم مرطوب‌کننده داشت. وقتی تکنیسین داروخانه از او نوع کرم مورد درخواستش را سؤال کرد، موبایلش را جلو آورد و گفت: از این کرم که عکسش در موبایل هست.

از آن برندهایی بود که روز روزش در داروخانه پیدا نمی‌شود، چه رسد به شب تار روزهای بین تعطیلات نوروز.

هرچه قدر هم توضیح دادیم که همه کرم‌های مرطوب‌کننده یکی است و فقط کارخانه‌اش فرق می‌کند، قبول نکرد و رفت.

یادداشت ۱

تعطیلات رسمی و چهار روزه نوروز که تمام می‌شود، کار داروخانه را همراه با یکی از تکنیسین‌های داروخانه که مثل خودم تهران را در روزهای تعطیلات نوروز برای زندگی کردن مناسب می‌داند و با من هم عقیده است که تازه در این روزهای خلوت متوجه می‌شویم که چه قدر عمرمان در ترافیک روزهای شلوغ تهران تلف می‌شود، شروع می‌کنم.

اولین روز بعد از تعطیلات بود و در خلوت داروخانه من سالنامه یکی از روزنامه‌ها را می‌خواندم و تکنیسین داروخانه نیز مشغول کار با اینترنت بود و تلویزیون هم برای خودش برنامه پخش می‌کرد که خانمی وارد داروخانه شد و سراغ خمیردندان اورال بی را گرفت.

وقتی دید نداریم، بدجوری عزا گرفت. هرچه هم به او یادآوری کردیم که خمیردندان کمرست موجود همان کار را می‌کند و این دو برند ساخت یک کارخانه است، به خرجش نرفت و مرغش یک پا داشت و توصیه دندان پزشکش برایش وحی منزل بود!

یادداشت ۲

معمولاً روزهای آخر اسفندماه، کسانی که داروهای همیشگی مصرف می‌کنند مثل بیماران دیابتی، بیمارانی که کلسترول خونشان بالا است و یا بیماران قلبی - عروقی سعی می‌کنند برای دو تا سه ماهشان دارو تهیه کنند. در مقابل سؤال داروخانه هم که مگر تعطیلات نوروز چند روز است

یادداشت ۴

معمولاً یک مسواک از زمان اولین مصرف، دو تا سه ماه تاریخ مصرف دارد. یعنی در بهترین شرایط یک مسواک مهمان دو تا سه ماه می‌باشد. برای همین دو تا سه ماه مصرف، انواع و اقسام مسواک وجود دارد. برخلاف سالیان نه چندان دور که این قدر تنوع در مسواک نبود.

قیمت‌های مسواک نیز به اندازه تنوع آن‌ها متنوع است و برای هر نوع اقتصادی، مسواک وجود دارد. بنابراین، وسواس در انتخاب مسواک خیلی محلی از اعراب ندارد. خانمی بیش از ده نوع مسواک را زیر و رو کرد و نزدیک به بیست سؤال جور و واجور از تکنیسین داروخانه پرسید و دست آخر دو عدد از ارزانت‌ترین مسواک‌ها را انتخاب کرد و برای این که کم نیاورد نیز عنوان نمود که دخترم خیلی سخت گیر و مشکل پسند است.

یادداشت ۵

همه ساله قبل از شروع تعطیلات نوروزی، مساله احتیاط در رانندگی برای جلوگیری از تصادف‌های جاده‌ای و حفظ آرامش در سفر و رانندگی، از سوی دست‌اندرکاران مربوط، به تمامی مسافران نوروزی گوشزد می‌شود ولی علی‌رغم تمامی توصیه‌ها، باز هم خواب رفتن منجر به تصادف، باعث می‌شود که شادی خیلی‌ها به غم تبدیل شود.

ظاهراً این مساله تصادف جاده‌ای به یک شکل‌هایی در نسخه‌های ورودی به داروخانه در زمان بین تعطیلات نوروزی هم سرایت می‌کند. همه ساله در این ایام ظاهراً تمام نسخه‌های تصادفی، از همه جا رانده، بدخط و ده‌ها نسخه ایراددار از پستوهای خانه‌ها بیرون آمده و سر از داروخانه در می‌آورد.

ظاهراً بعضی‌ها فکر می‌کنند در این ایام مشکل چنین نسخه‌هایی حل می‌شود و طرف با دست پر به خانه بر می‌گردد!

یادداشت ۶

روزهای پایان سال و شروع تعطیلات نوروزی کسانی به داروخانه مراجعه می‌کنند که چون عازم سفر به خارج از کشور هستند، فهرستی از داروهای OTC را به داروخانه ارایه می‌کنند تا برای عزیزانشان در خارج از کشور سوغات ببرند. دلیل همه آن‌ها هم این است که یا تهیه داروها در آن کشور سخت است، و یا قیمت دارو به اصطلاح در آن طرف آب آن قدر گران است که از نظر اقتصادی به صرفه است که از این جا به آن جا برده شود.

دیروز خانمی به همین منظور مراجعه کرد و مقداری داروی OTC می‌خواست. وقتی از ایشان سؤال کردم، معلوم شد که چون عازم سفری شش ماهه برای کار در عسلویه می‌باشد، تقاضای داروها را دارد!